

## ساختار ارتقایی و سلطه‌ای درون‌بندی

دکتر والی رضائی\*

سید حمزه موسوی\*\*

### چکیده

پس از معرفی مختصر ساختارهای سلطه‌ای و ارتقایی در متون گذشته، در این مقاله به بررسی ساختارهای سلطه‌ای و ارتقایی درون‌بندی کالینز (Collins, 1997) می‌پردازیم. همچنین با مثالهایی از زبانهای ایجو (Ijo) و یوروبا (Yoruba) و اوه (Ewe) مشخص می‌کنیم که رفتار موضوعها در ساختارهای محمولی پیچیده مشابه ساختارهای دوبندی است. پس از آن، ساختارهای محمولی پیچیده در زبان فارسی را بررسی و معلوم می‌کنیم که بخشی از این ساختارها ارتقایی و بخشی دیگر سلطه‌ای است. **کلیدواژه‌ها:** ساختار ارتقایی، ساختار سلطه‌ای، ساختارهای تک‌بندی، محمولهای پیچیده

### مقدمه

با نگاهی به تعریف ساختارهای ارتقایی و سلطه‌ای درمی‌یابیم که این دو ساختار برای جملات دوبندی تعریف شده‌اند. در تعریف ساختار ارتقایی چنین آمده: حرکت موضوع از بندی به خارج از بند رخ می‌دهد و، در واقع، موضوع بند پایین فاعل بند بالاتر محسوب می‌شود. این حالت را در مثال زیر می‌بینیم:

- 1) a. There does seem [to remain some hope of peace]
- b. Some hope of peace does seem [to remain]

---

\* استادیار زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان  
\*\* کارشناسی ارشد زبان‌شناسی همگانی، دانشگاه اصفهان

تفاوت ساخت سلطه‌ای و ارتقایی در این است که در ساختار ارتقایی فقط فعل یکی از بندها امکان دارد به موضوع مشترک نقش معنایی تا بدهد. همچنین حرکت موضوع فقط برای برآوردن مشخصه<sup>۱</sup> EPP است و باقی ماندن موضوع در جایگاه خود ساختار را غیر دستوری می‌کند؛ در حالی که در ساخت سلطه‌ای حرکت موضوع رو به سمت بالاتر نیست، و هر دو فعل بند بالا و پایین به موضوع مشترک خود نقش معنایی می‌دهند. افزون بر این، ممکن است فقط فعل بالاتر به موضوع نیاز داشته باشد. مثلاً در این جمله از زبان انگلیسی

2) He seems [to scare them]

فاعل ارتقایی است، زیرا فاعل نقش معنایی خود را از فعل scare گرفته و حرکت آن به سمت بالا برای برآوردن حالت EPP است؛ به این معنا که اگر فاعل در جایگاه مشخص‌نمای فعل seem قرار نگیرد، جمله غیر دستوری خواهد بود.  
حال به مثال زیر توجه کنید:

3) \*seems [to he scare them]

قرار گرفتن فاعل در جایگاه اصلی خود نیز باعث غیر دستوری شدن جمله می‌شود.  
حال آنکه، فاعل هر دو فعل در ساخت سلطه‌ای ظرفیتهای لازم را دارد و به فاعل خود نقش معنایی می‌دهد. همان طور که ملاحظه می‌شود، ضمیر مستور PRO نقش معنایی خود را از فعل scare می‌گیرد، اما he بر آن سلطه دارد.

4) He<sub>i</sub> wants [to PRO<sub>i</sub> scare them]

در این حالت فعل scare نقش معنایی عامل (agent) را به فاعل و want نقش اثرپذیر (experiencer) به آن می‌دهد. به علاوه، فعل want دارای مشخصه EPP است و به علاوه یکی از ظرفیتهای فعل را پر کرده است. این حالت را می‌توان در فارسی نیز بررسی کرد:

۵) الف. علی<sub>i</sub> به نظر می‌رسد [که t<sub>i</sub> مریض است] (Soheili-Isfahani: 1976: 167)

ب. علی<sub>i</sub> لازم است [که t<sub>i</sub> برود آنجا]

در این حالت همان طور که مشاهده می‌شود فاعل «علی» از فعل «رفتن» نقش معنایی دریافت کرده است، اما مثل زبان انگلیسی حرکت آن به جایگاه ابتدای بند بالاتر الزامی نیست و حرکت

۱. همان اصل فراقنی گسترده (Extended Projection Principle) است که چنین تعریف می‌شود: همه فراقنهای IP یک فاعل دارند و بنابراین [spec, IP] باید فراقکن شود (Haegeman, 1994: 255). این اصل انگیزه اصلی برای حرکت فاعل به جایگاه مشخص‌نمای IP است.

نکردن آن به سمت بالاتر نه تنها باعث بدساخت شدن آن نمی‌شود، بلکه ساختار آن خوش‌ساخت‌تر نیز به نظر می‌رسد. بنابراین در زبان فارسی برخلاف انگلیسی برای حرکت فاعل فعل پایین‌تر به سمت بالا هیچ تمایل و انگیزه‌ای وجود ندارد. به علاوه، این ساختار سلطه‌ای هم نیست، زیرا برای سلطه‌ای بودن هم باقی ماندن عنصر موضوعی در جایگاه خود آن را غیردستوری نکرده است. در این حالت فعل «لازم بودن» و «به نظر رسیدن» تک‌طرفیتی‌اند و به نظر می‌رسد به صورت زیر باشند:

۶ الف. چه به نظر می‌رسد؟

مریض بودن علی به نظر می‌رسد.

به نظر رسیدن (مریض بودن علی)

ب. چه چیز لازم است؟

رفتن علی به آنجا لازم است.

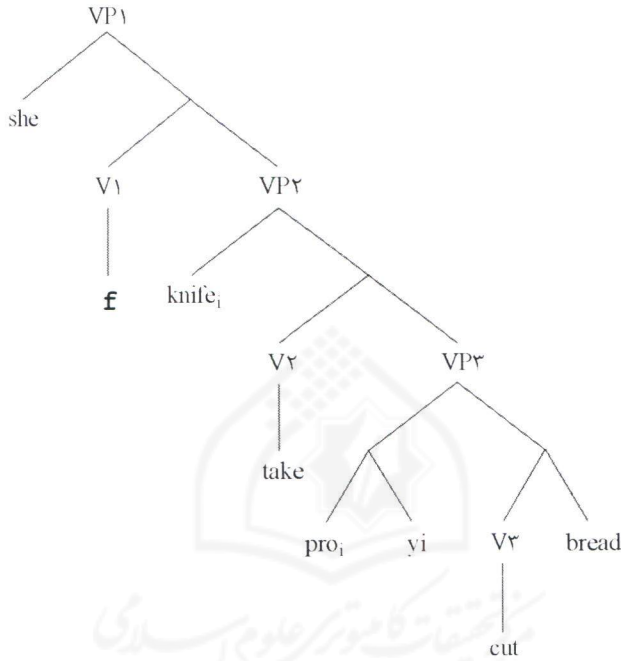
لازم بودن (رفتن علی به آنجا)

مشخص است که فاعل این افعال به صورت عامل است، بنا بر نظر دبیرمقدم (۱۳۶۹)، کریمی (۱۹۹۷) و سهیلی اصفهانی (*Ibid.*)، چنین به نظر می‌رسد که این ساختارها ارتقایی نیست، بلکه ساختاری مبتداساز است. البته درزی (۱۳۸۴) استدلالهایی را برای اثبات ارتقایی بودن این ساختارها ارائه داده است. در این مقاله به این موارد پرداخته نمی‌شود زیرا هدف این مقاله بررسی سلطه‌ای و ارتقایی بودن ساختارهای تک‌بندی و تک‌محمولی با دو یا چند عنصر فعلی است که کالینز مطرح کرده است.

## ۱. ساختارهای ارتقایی و سلطه‌ای تک‌بندی

کارستنس (Carstens, 2003) به نقل از کالینز (Collins, *ibid.*) ساختارهای تک‌بندی سلطه‌ای را چنین بیان کرده است: در افعال زیرین مقوله‌ای تهی هست، اما، بنا بر نظر کالینز، این مقوله *pro<sub>i</sub>* است و با موضوع درونی آشکار بر آن نظارت می‌شود که، در واقع، موضوع فعل اول است. کالینز برای اثبات خاطر نشان می‌کند که یک حرف اضافه حالت‌ده در ساختار پیچیده تک‌بندی (*mono-clausal complex constructions*) در زبان اوه ظاهر می‌شود و این در واقع بر حالت *pro<sub>i</sub>* نظارت دارد. *pro* کوچک ساختار ضمیرانداز است؛ در حالی که *PRO* ضمیر مستور است، یعنی معنا دارد، اما شکل آوایی ندارد. کالینز معتقد است که به دلیل تصریف قوی در زبان اوه در کل بهتر است از *pro* کوچک استفاده شود. در این مقاله، هر جا امکان حضور

گروه اسمی یا ضمیر وجود نداشته باشد و جایگزینی با گروه اسمی ساختار را غیر دستوری کند از PRO استفاده می‌شود؛ وانگهی، در این مقاله مشخص می‌کنیم که pro و PRO با هم رابطه دارند و ممکن است یکی بر دیگری سلطه داشته باشد. در این حالت به تحلیل کالینز در نمودار ۱ می‌پردازیم:

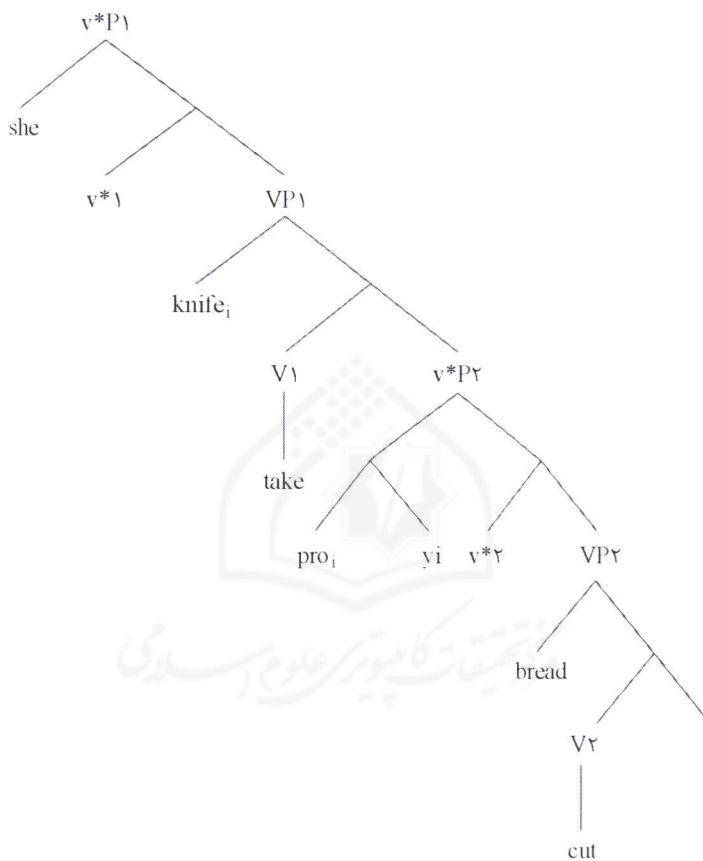


نمودار ۱

در این حالت V<sub>1</sub> مقوله تهی و V<sub>2</sub> حالت‌ده به «چاقو» و V<sub>3</sub> حالت‌ده به «نان» در نظر گرفته می‌شود. همچنین V<sub>3</sub> از جایگاه خود حرکت کرده و در جایگاه فعل اول قرار گرفته است تا نقش عاملی به «او» بدهد. کارستنس (*Ibid.*) به اصلاح نظر کالینز می‌پردازد و می‌گوید: بر اساس چامسکی (Chomsky, 2000)، نظارت بر حالت مفعولی در یک فعل سبک انجام می‌گیرد که یک نقش تنای بیرونی ارائه می‌دهد. بر اساس چامسکی (Chomsky, 1999)، این را به عنوان v\* به جای V<sub>1</sub> در نظریه کالینز قرار می‌دهیم و فرض می‌کنیم که بر حالت چاقو نظارت می‌کند.

به نظر کالینز، در زبان اوه بر حالت pro با استفاده از yi نظارت می‌شود. برای VO، بر اساس منابع کالینز، امکان در نظر گرفتن حرکت فعل از جایگاه خود به جایگاه فعل سبک وجود دارد. هرچند مشخص شده که فعل سبک در حالت‌های متعددی به کار می‌رود، می‌شود این را نتیجه

گرفت که همه VP‌ها متمم فعل سبک محسوب می‌شوند و این در مورد ساختارهای غیرمفعولی (unaccusative) نیز صادق است (Collins, *ibid*; Takano, 1996 & 1998; Chomsky, 2000). حال به نمودارهای ۲ و ۳ توجه کنید:

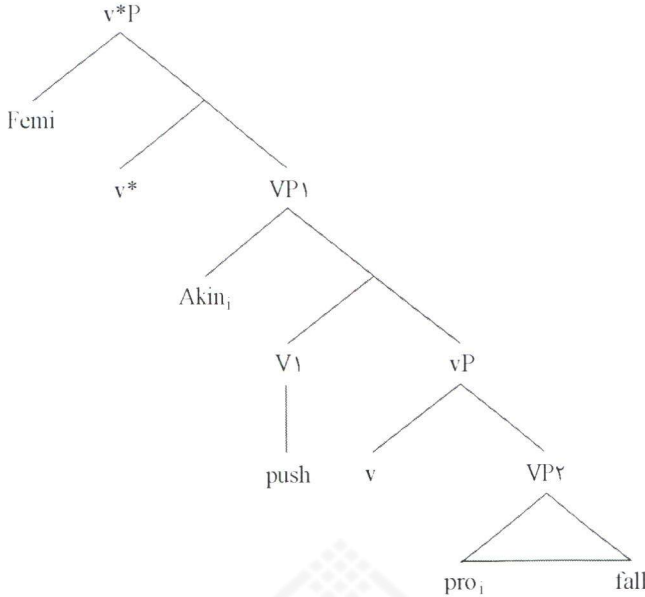


نمودار ۲

7) Femi ti Akin subu  
push fall

فمی آکین را به سمت پایین فشار داد.

با آنکه yi برای نظارت بر حالت pro در زبان یوروبا و ایجو وجود ندارد، فرض می‌کنیم که نامفعولیه‌ها حالت درونی به خود می‌گیرند (Belletti, 1988; Carstens, *ibid.*).



نمودار ۳

کارستنس (*Ibid.*) افعال متوالی ارتقایی را نیز بررسی کرده است و با وجود آنکه در این ساختارها حالت‌دهندهٔ  $v_i$  وجود ندارد و با توجه به استدلال‌ات انجام‌گرفته در زبان اوه، نشان داد که ساختارهای تک‌محمولی و تک‌بندی در زبان ایجو و یوروبا با ساختاری مشابه ساختار ارتقایی ممکن است. فعل اولیه در ساختارهای تک‌بندی پیچیده محدودیت‌هایی نقشی را در مفعول اول این زبان پیش نمی‌آورد، بنابراین ساختار سلطه‌ای را رد می‌کند. همان‌طور که در یوروبا مشاهده می‌شود، فعل اولیهٔ  $\bar{f}_i$  را نمی‌شود تنها به کار برد.

- 8) a. Mo Fi obe ge buredi  
I fi knife cut bread

[زبان یوروبا (*Collins, ibid.*)]

- b. omode Fi ayo gha ebun  
child fi joy accept present

کودک هدیه را با خوشحالی پذیرفت.

- c. \*mo Fi obe /ayo/ buredi  
I Fi knife /joy/ bread

من یک نان/ذت/چاقو را استفاده کردم/ بردم.

9) a. ari bu aki temed-boo eri- mi

I self take mirror-in see PST

من خودم را در آینه دیدم.

b. arau zuye aki buru teri- mi

he basket take yam cover-PST

او سیب‌زمینی را با سبد پوشاند.

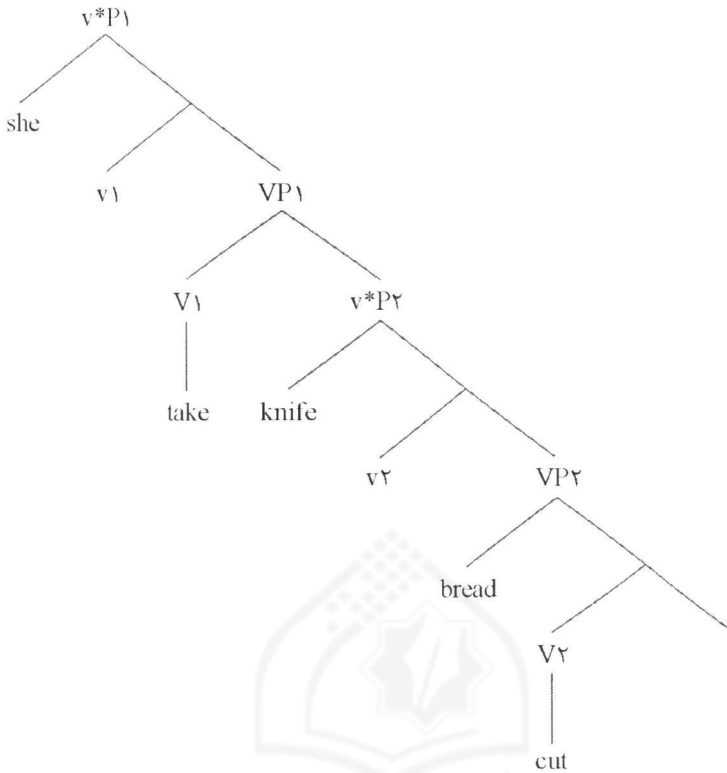
c. aya bara- ki aki duma tun

new way take song sing

ترانه‌ای به شیوه‌ای جدید بسرای.

در واقع، مفعول روساختی V۱ هیچ رابطه‌ نقشی با آن ندارد و در مشخص‌نمای  $v^*P$  — گروه فعلی سبک — شکل می‌گیرد و این در زبان یوروبا و ایجو آشکار شده است. ترتیب واژگانی در یوروبا از تحلیل ECM پیروی می‌کند، در این تحلیل، «چاقو» ممکن است در جایگاه خود ثابت بماند یا ارتقا یابد. هرچند ترتیب OVOV در ایجو نشان‌دهنده ارتقای مفعول اول در فعل «بردن» است، فرض می‌کنیم در هر دو زبان مفعول اولیه (O۱) حرکت می‌کند. تفاوت بین ایجو و یوروبا در مورد ساختارهای ارتقایی در این است که ارتقا از V به سمت فعل سبک v صورت می‌گیرد. بنابراین می‌توان گفت در زبانهای متوالی هر دو — VO و OV — درست است.

با این همه، سؤالی که پیش می‌آید این است که چرا باید فعل «بردن» را انتخاب کنیم؟ جواب روشن است: زیرا نظارت بر هر دو حالت مفعولی بر عهده  $v^*۱$  و  $v^*۲$  است. خود افعال «بریدن» و «بردن» چندان نقشی ندارند؛ در هر حالت v یک VP را برمی‌گزیند. در واقع، برای پیدا کردن انگیزه ارتقا می‌توان چنین گفت: «چاقو» در تعبیر از یک فعل نقشی «بردن» به جایگاه بدون معنا حرکت می‌کند، به همین دلیل مشخصه‌های آن تعبیر نشده است. بنابراین، مشخصه EPP (Chomsky, *ibid.*) ابتدا با یک DP ادغام می‌شود و در مشخص‌نمای «بردن» نیاز انتخابی نقشی یا تعبیرشده در زبان اوه را برطرف می‌کند. این حالت در ایجو و یوروبا با ساختار ارتقایی مشخص می‌شود (نمودار ۴). معلوم شد که، بنا به نظر کالینز، ساختارهای ارتقایی و سلطه‌ای تک‌بندی وجود دارند. حال، همین را می‌شود در ساختارهای پیچیده تک‌بندی در فارسی مشاهده کرد.



نمودار ۴

## ۲. ساختارهای تک‌بندی پیچیده: ارتقای یا سلطه‌ای؟

در این بخش ابتدا مثالهایی از این دسته افعال را می‌آوریم و بعد اشتراک موضوعی بین آنها را نشان می‌دهیم و در آخر آنها را از لحاظ ارتقای یا سلطه‌ای بودن بررسی می‌کنیم.

۱۰ الف. علی به مدرسه خواهد رفت.

ب. سارا دارد مشق می‌نویسد.

ج. بهنوش گرفت خوابید.

در مورد اول، فعل رفتن به فاعلش (علی) نقش معنایی می‌دهد و می‌شود آن را از لحاظ موضوعی به صورت زیر درآورد:

(۱۱) رفتن (علی، مدرسه)

فعل رفتن دوظرفیتی است و دو موضوع را در بر می‌گیرد. حال آنکه فعل خواستن بر رخ دادن

عملی در آینده دلالت می‌کند و فاعل غیر زنده دارد. در واقع، ساختار از دو زیررویداد (sub-event) تشکیل شده که یکی دیگری را به آینده می‌برد. مثلاً در مثال (۱۲) زیررویداد خواستن زیررویداد رفتن را به آینده برده است.

(۱۲) رفتن علی به مدرسه روی خواهد داد.

روی دادن در آینده (رفتن علی به مدرسه)

ساختار تک‌بندی ما، در این حالت، به صورت (۱۳) است:

(۱۳) علی به مدرسه خواهد علی به مدرسه رفت.

فعل خواستن، در این حالت، مشخصه EPP را دارد و، بنابراین، شرایط را برای حرکت فاعلی علی به جایگاه ابتدایی برای برطرف کردن این مشخصه فراهم آورده است، پس طبق این حالت در ساختار تک‌بندی با حالت ارتقایی شباهتی دیده می‌شود که آن را ساختار ارتقایی درون‌بندی با محمول پیچیده می‌نامیم. بنابراین، فرضیه زیر را طرح می‌کنیم:

(۱۴) ساختار ارتقایی در زبان فارسی هر چند ممکن است در ساختهای همپایه‌ساز و پیروساز روی ندهد، در ساختارهای پیچیده تک‌بندی رخ می‌دهد. بنابراین، این نوع ساختارها را ساختار ارتقایی درون‌بندی می‌نامیم.

در این حالت، مطابق ساختارهای ارتقایی ماندن فاعل در جایگاه اصلی خود ساختارها را بدساخت می‌کند.

(۱۵) \*به مدرسه خواهد علی رفت.

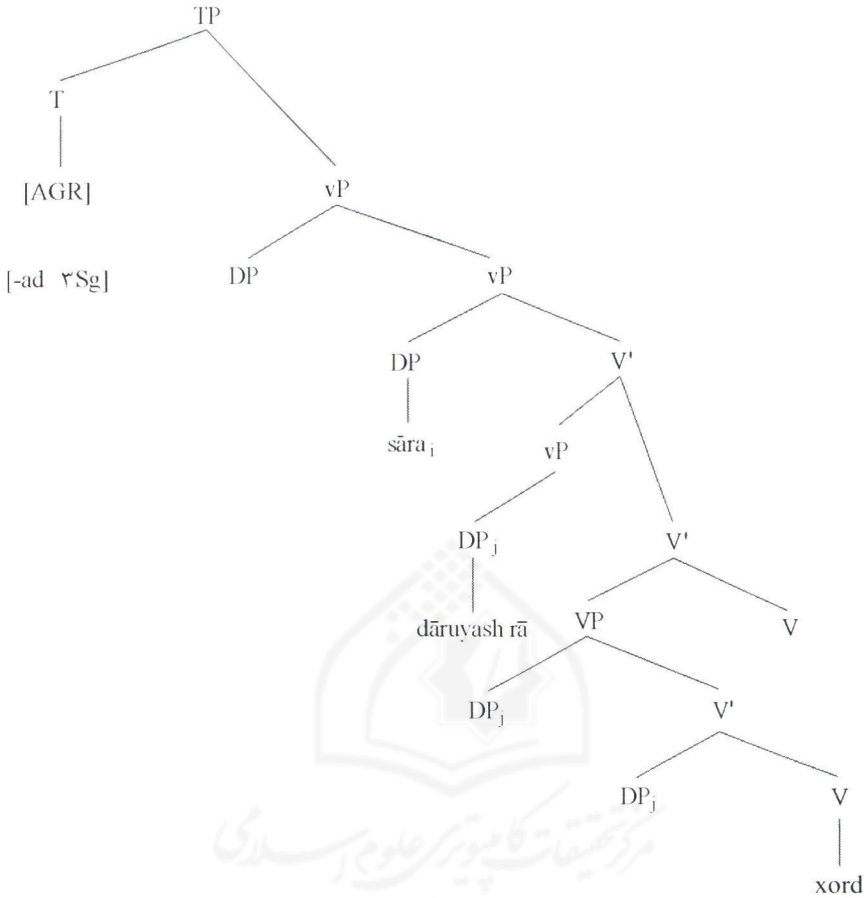
در نمودار ۵ که آزیتا حجت‌الله طالقانی (H. Taleghani, 2006) برای آینده دستوری ترسیم کرده است، ارتقای فاعل از جایگاه مشخص‌نمای VP به مشخص‌نمای VP را می‌توان مشاهده کرد. در آخر، فاعل (سارا) از جایگاه VP به جایگاه مشخص‌نمای TP ارتقا می‌یابد (نمودار ۵).

در مورد فعل داشتن هم همین حالت برقرار است، منتهی در این ساختار هر دو فعل دارای علامت شخص و شمار است:

(۱۶) الف. علی دارد کتابها را به حسن پس می‌دهد.

ب. علی کتابها را به حسن دارد پس می‌دهد.

فعل داشتن، در این حالت، فعل دیگری را یا مستمر می‌کند یا در آستانه وقوع قرار می‌دهد.



نمودار ۵

می‌شود گفت فعل «داشتن» (= در حال روی دادن است) ممکن است تک‌ظرفیتی باشد و «پس دادن» خود یک فعل چندظرفیتی است.

(۱۷) [پس دادن کتابها به حسن به فاعلی علی] دارد روی می‌دهد.

(۱۸) پس دادن (علی، کتابها، حسن)

از آنجا که فعل «داشتن» در مورد تمام رویداد اتفاق می‌افتد، می‌گوییم «علی» از جایگاه خود حرکت کرده و به علت مشخصه EPP در جایگاه فاعل بالاتر قرار گرفته است. همچنین ساختارهای زیر را نیز می‌توان بررسی کرد:

۱۹ الف) علی دارد علی کتابها را به حسن پس می‌دهد.

پس «علی» ابتدا در جایگاه پایین‌تری بوده و قرار گرفتن علی در جایگاه پایین‌تر جمله را غیر دستوری می‌کند.

(۲۰) \* دارد علی کتابها را به حسن پس می‌دهد.

به همین دلیل «علی» برای برطرف کردن نیازهای EPP به سمت بالا حرکت کرده است و بنابراین می‌توان ساختار را ارتقایی دانست. به علاوه، حذف کردن «علی» از این ساختار نیز امکان‌پذیر است و هیچ صدمه‌ای به آن نخواهد زد.

(۲۱) دارد کتابها را به حسن پس می‌دهد.

به علت ویژگیهای صرفی قوی، در این حالت و حالت فعل «خواستن» در فارسی می‌شود آن را به شکل زیر نشان داد:

(۲۲) pro دارد کتابها را به حسن پس می‌دهد.

به همین دلیل، فرضیه ارتقایی بودن این ساختارها در فارسی را به صورت زیر اصلاح می‌کنیم:

(۲۳) ساختارهای پیچیده تک‌بندی در زبان فارسی بر اثر حرکت فاعل اختیاری از جایگاه اصلی خود و قرار گرفتن به واسطه EPP فعل بالاتر — حالت ساختار ضمیرانداز ارتقایی درون‌بندی — با ویژگی صرفی تعیین می‌شود: ساختارهای صرفی همراه فاعل اختیاری به سمت بالا حرکت می‌کند. این فاعل را می‌توان فاعل سبک در نظر گرفت. فاعل سبک یعنی فاعل حذف‌شدنی.

اما دسته دیگری از ساختارها، که در آن فعل اول به بیان فعل دوم می‌پردازد، شرایط ساختار سلطه‌ای درون‌بندی را دارد. مثلاً به موارد زیر اشاره می‌کنیم:

- ۲۴ الف) علی دوید رفت پیش مامانش.
- ۲۴ ب) \*دوید علی رفت پیش مامانش.
- ۲۴ ج) پرنده پرید رفت به جوجه‌هایش غذا داد.
- ۲۴ د) \*پرید پرنده رفت به جوجه‌هایش غذا داد.
- ۲۴ ه) علی نشست مشقه‌هایش را نوشت.
- ۲۴ و) \*نشست علی مشقه‌هایش را نوشت.
- ۲۴ ز) سولماز فرار کرد رفت توی جنگل.
- ۲۴ ح) \*فرار کرد سولماز رفت توی جنگل.

آشکار است که فاعل هر دو فعل به‌کاررفته یکی است و دو فعل در شرایط تک‌بندی فاعل یکسان دارند. حال سؤال این است که این ساختارها شرایط ارتقایی دارند یا سلطه‌ای؟ ابتدا ظرفیت فعلها را بررسی می‌کنیم و بعد به چگونگی رفتار هر دو فعل در مقابل فاعل ظاهری آنها می‌پردازیم:

۲۵ الف) دویدن (علی)

۲۵ ب) رفتن (علی)

هر دو فعل به یک فاعل نیاز دارند. بنابراین می‌توان ساختارهای ارتقایی را در این شرایط رد کرد. حال به بررسی شرط دوم برای ساختارهای سلطه‌ای می‌پردازیم. ساختار (۲۵ب)، با قرار گرفتن فاعل در جایگاه فعل اول، ساختاری بدساخت یا تا حدودی بدساخت به دست می‌دهد و فاعل فقط باید همراه فعل اول و فاعل آن قرار گیرد. بنابراین ساختار در حالت ظاهری به شکل زیر درمی‌آید:

۲۶) علی دوید PRO رفت پیش مامانش.

«علی» در این حالت بر فاعل فعل پایین‌تر نظارت می‌کند. این ساختارها را ساختار سلطه‌ای درون‌بندی می‌نامیم.

نکته دیگر اینکه، در این حالت، حذف همه فاعلهای به‌کاررفته بدون صدمه به ساخت جمله ممکن است؛ در واقع، فارسی به سبب شرایط ساختوازی و تصریف قوی توانایی ضمیراندازی را دارد. بنابراین جمله‌ها به این شکل نیز به کار می‌روند:

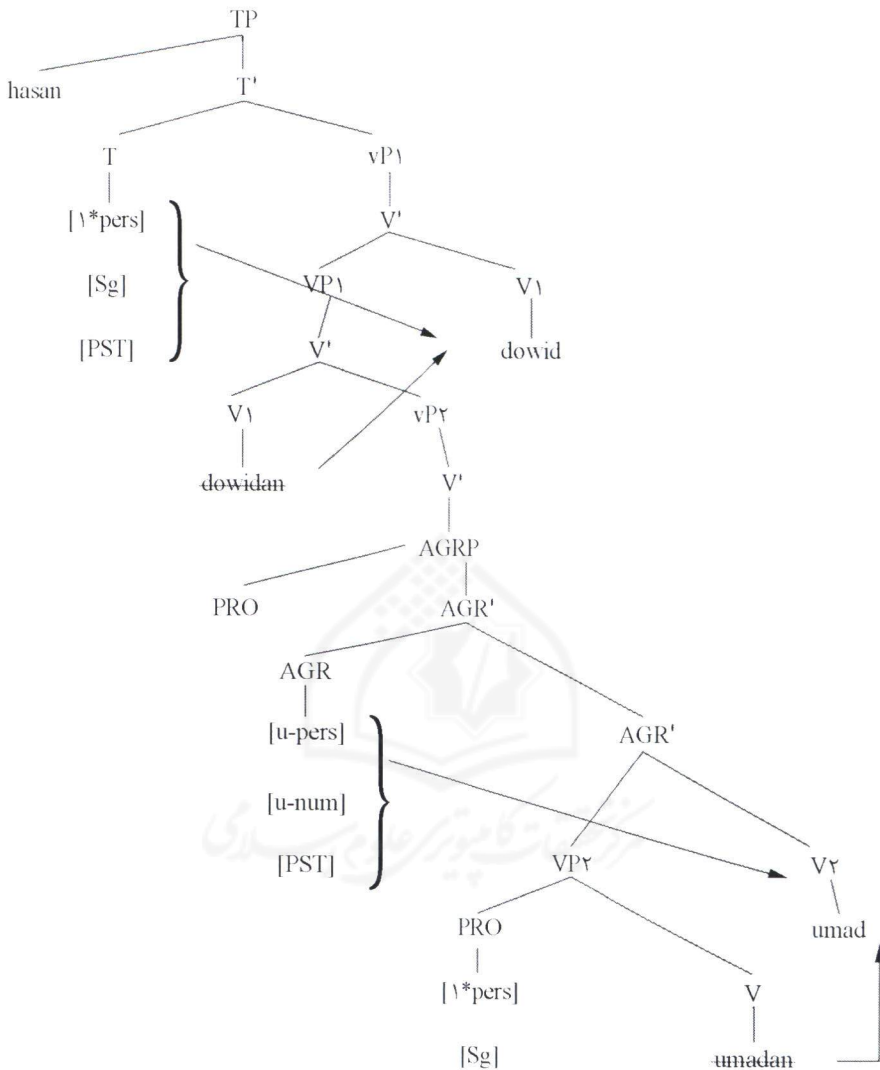
۲۷ الف) دوید رفت پیش مامانش.

۲۷ ب) پرید رفت به جوجاهش غذا داد.

در این حالت ضمیرانداز بودن را با pro کوچک نشان می‌دهیم، اما از آنجا که برای فعل دیگر فاعل ظاهر نمی‌شود آن را با PRO بزرگ نشان می‌دهیم، بنابراین جمله اول را به این صورت نیز به کار می‌بریم:

۲۹) pro دوید PRO رفت پیش مامانش.

در نمودار ۶، که نگارنده برای این دسته از ساختارهای پیچیده ترسیم کرده است، مشاهده می‌شود که فاعل فعل پایین و بالا هر دو با فعلهای متناظر تطابق دارند و فاعل فعل بالا بر فاعل غیر ظاهری و مستور فعل پایین نظارت دارد و این بدان معناست که فاعل ضمیرانداز ممکن



نمودار ۶

است بر فاعل دیگر نظارت داشته باشد. بنابراین، این فرضیه چنین نیز بیان می‌شود: ساختارهایی که به این شکل به کار رفته‌اند حالت ساختار سلطه‌ای ضمیراندازده درون‌بندی دارد. بنابراین احتمال دارد فاعل ضمیرانداز (pro کوچک) بر فاعل مستور (PRO بزرگ) درون‌بندی فعل پایین‌تر نظارت داشته باشد؛ با وجود غیر ظاهری بودن این دو ضمیر، یکی از آنها امکان نظارت بر دیگری را دارد. در واقع، ضمیرانداز pro قدرت سلطه‌ای خود را از تصریف

فعل دریافت می‌کند و ممکن است بر اساس همان امکان نظارت بر ضمیر PRO را نیز داشته باشد.

### ۳. نتیجه

با وجود اینکه ساختارهای ارتقایی در فارسی وجود ندارند، در مورد ساختارهای پیچیده تک‌بندی می‌توان به ارتقایی بودن آنها رسید. کالینز ساختارهای سلطه‌ای تک‌بندی پیچیده را در زبانهای دیگر آشکار کرد و این در مورد فارسی نیز ممکن است. ساختارهای زمان آینده دستوری و ساختارهای زمان حال و گذشته مستمر دارای ساختار ارتقایی‌اند. ساختارهایی که در آنها فعلی فعل دیگری را توصیف می‌کند (مانند «دوید رفت پیش مامانش»، که در آن فعل دویدن فعل رفتن را توصیف می‌کند) ساختارهای سلطه‌ای تک‌بندی پیچیده نامیده می‌شوند.

### منابع

انوری، حسن و حسن احمدی گیوی (۱۳۸۵)، *دستور زبان فارسی ۱ و ۲*، تهران، انتشارات فاطمی.  
 دبیرمقدم، محمد (۱۳۶۹)، «پیرامون "را" در زبان فارسی»، *مجله زبان‌شناسی*، ش ۲، ۶۲-۶۰.  
 درزی، علی (۱۳۸۴)، *شیوه استدلال نحوی*، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی (سمت).  
 همایون، همداخت (۱۳۷۹)، *واژه‌نامه زبان‌شناسی و علوم وابسته*، تهران، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.

- Amberber, M., B. Baker, & M. Harvey (2010), *Complex Predicates; Cross-Linguistic Perspectives on Event Structure*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Belleti, A. (1988), "The Case of Unaccusatives", *Linguistic Inquiry* 19, 1-34.
- Boeckx, C. (2008), *Understanding Minimalist Syntax; Lessons from Locality in Long Distance Dependencies*, Oxford, Blackwell Publishing.
- Butt, M., & A. Lahiri (2002), "Historical Stability vs. Historical Change", Unpublished <http://ling.uni-konstanz.de/pages/home/butt/>.
- Bybee, J. & W. P. Revere Perkins (1994), *The Evolution of Grammar: Tense, and Modality in the Languages of the World*, Chicago, Chicago University Press.
- Carstens, V. (2003), *Antisymmetry and Word Order in Serial Constructions*, University of Missouri-Columbia.
- Chomsky, N. (2000), "Minimalist Inquiry, The Framework", *Step by Step*, Ed. by R. Martin, D. Michaels and J. Uriagereka, 89-155, Cambridge, MA, MIT, Press.
- (1999), *Derivation by Phase*, Cambridge, MA, MIT, MS.

- Collins, C. (1997), "Argument Sharing in Serial Verb Constructions", *Linguistic Inquiry* 28, 461-97.
- Comrie, B. (2001), *Aspect: An Introduction to the Verbal Aspect and Related Problems*, Cambridge, Cambridge University Press.
- Crystal, D. (2003), *A Dictionary of Linguistics and Phonetics*, Oxford, Blackwell Publishing.
- Haegeman, L. (1994), *Introduction to Government and Binding Theory*, Oxford, Blackwell Publishers.
- Hojat Allah Taleghani, A. (2006), *The Interaction of Modality, Aspects and Negation in Persian*, Arizona, The University of Arizona.
- Honda, M., & W. O'Neil (2008), *Thinking Linguistically*, Oxford, Blackwell Publishing.
- Karimi, S. (1997), "Persian Complex Verbs; Idiomatic and Compositional", *Lexicology* 3 (2): 273-318.
- Soheili-Isfahani (1976), *Noun Phrase Complementation in Persian*, Ph. D. Dissertation, University of Illinois at Urbana-Champaign.
- Takano, Y. (1998), "Object Shift and Scrambling", *Natural Language and Linguistic Theory*, 16 (4): 817-89.
- (1996), *Movement and Parametric Variation in Syntax*, Irvine; Ph. D. Dissertation, California, University of California.

